

اهداف سیاسی و اقتصادی نوین ژاپن در آسیای مرکزی

- فرزاد رمضانی بونش

مرکز بین المللی مطالعات صلح

واژگان کلیدی: اهداف سیاسی نوین ژاپن در آسیای مرکزی ، ژاپن آسیای مرکزی، منطقه اوراسیا ، سیاست خارجی ژاپن ، آسیای مرکزی

شینزوآبه نخست وزیر ژاپن روز پنجشنبه ۲۲ اکتبر سفر خود را به پنج کشور آسیای مرکزی آغاز کرد. این نخستین سفر نخست وزیر ژاپن به آسیای مرکزی در ۹ سال اخیر است. نخست وزیر ژاپن طی سفری منطقه ای با مقامات کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان و قزاقستان دیدار کرد و سفر رسمی وی به کشورهای آسیای مرکزی در تاریخ ۲۷ اکتبر (۵ آبان) به پایان می رسد. نوشتار زیر به بررسی اهداف این سفر پرداخته است.

اهداف سیاسی:

در دو دهه گذشته توکیو آرام آرام توجه افزون تری به این منطقه داشته است و با توسل به ابزارهایی تلاش کرد نفوذ خود را در منطقه بالا برد. اما در یک سال اخیر با اصلاح سیاست دفاعی- امنیتی در کنار افزایش قدرت نظامی چین، همکاری نظامی با آمریکا ، داشتن یک «ارتش قدرتمند» و حق حضور در جنگ های بین المللی در حالی از سوی مقامات ژاپنی مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه در گزارش جدید دفاعی سالانه ژاپن چین تهدیدی معرفی شده است. از سوی دیگر با توجه به تغییر محیط امنیتی در شرق آسیا و گسترش قدرت چین طرح دفاع ۱۰ ساله ژاپن پیشنهاد رقابت بیشتر در مقابل رشد چین را در نظر دارد. لذا اقدامات ژاپن در راستای گسترش روابط سیاسی با آسیای مرکزی و سفر دوره ای به این منطقه در قالب تقویت موقعیت خود در مقابل رشد فزاینده چین در منطقه تحلیل می شود.

در بعد دیگری حضور بیرونی ژاپن در آسیای مرکزی و بستر سازی برای گسترش روابط همه جانبه با کشورهای این منطقه در جهت منافع آمریکا ارزیابی میگردد. از نگاه پنتاگون سرمایه گذاری های چین در حوزه نظامی توانایی نظامی چین قابلیت های این کشور را از آسیا فراتر می برد. لذا در نگاه به

خاور دور محاصره هر چه بیشتر چین و ائتلاف سازی مد نظر است و ژاپن با قدرت اقتصادی بزرگ گزینه خوبی برای مهار چین است. در واقع ژاپن مانند بسیاری از کشورهای غربی دیگر، پیرو سیاست های آمریکا است و در استراتژی آمریکا در نگاه به خاور دور و رویکرد ائتلاف سازی در واقع ژاپن گزینه خوبی برای مهار چین می باشد. بنابراین تقویت نسبی حضور ژاپن در شمال غرب چین میتواند به نفع آمریکا هم باشد.

گذشته از این از نگاه ژاپن هر چند بسیاری از بازیگران در جنوب شرق آسیا تجربه تلخی از رویکرد ژاپن در جنگ جهانی دوم دارند، اما این امر در آسیای مرکزی وجود ندارد و با توجه به نوع ائتلاف سازی های کنونی آمریکا می تواند فرصتی برای گسترش حضور ژاپن در این منطقه باشد. همچنین باید توجه داشت که در تحرکات ژاپن به سوی تقویت موقعیت نظامی- امنیتی خود رقابت در منطقه شرق آسیا و در چارچوب بزرگتر در قالب سیستم بین الملل و نظم بین المللی قرار داد و در شرایطی که در کنار آمریکا، روسیه و چین به عنوان سه بازیگر اصلی آسیای مرکزی و همچنین رقابت ایران، ترکیه، هند، اتحادیه اروپا و توجه رقیبانی چون کره جنوبی به این منطقه (سفر دوره ای گذشته نخست وزیر کره جنوبی به منطقه) توکیو بر آن است تا در رقابت و کسب منافع بیشتر در آسیا مرکزی بازنده نباشد.

علاوه بر این پس از نفت، تجارت اسلحه بیشترین گردش مالی را در سطح دنیا دارد. اما پس از پایان جنگ جهانی دوم ژاپن به دلیل محدودیت صادرات و کم شمار بودن محصولات جنگی صادراتی نداشت بنابراین توکیو با ایجاد اداره ای به نام 'سازمان تجهیزات دفاعی' که بخشی از مسولیت آن صادرات تسلیحاتی ژاپن است ژاپن تلاش می کند تا به جرگه صادرکنندگان تجهیزات جنگی بپیوندد و بازار آسیای مرکزی میتواند بازاری نوین باشد.

گذشته از این در واقع موضوع کمک ژاپن جمهوریهای آسیای مرکزی برای تقویت کنترل مرزهای این کشورها با افغانستان بعنوان کانون تسری ناامنی به منطقه و نیز کانون قاچاق مواد مخدر در منطقه، پیشگیری از پولشویی برای مبارزه با تروریسم و باندهای مافیایی و گروههای تکفیری می تواند برنامه بلند مدت ژاپن برای حضور موثر در منطقه ای باشد که توجه بیشتری به موضع ناامنی رو به فزاینده آن وجود دارد و توکیو از این فرصت میتواند به عنوان رشد همکاری و نفوذ خود در منطقه بهره گیرد.

مبادلات و همکاری های ژاپن و پنج کشور آسیای مرکزی در دو دهه گذشته نسب به وزن اقتصادی ژاپن هر چند گسترده نبوده است اما ژاپن اکنون با سرمایه گذاری در بخشهای مختلف اقتصادی کشورهای این منطقه می کوشد به یکی از مهمترین طرفهای تجاری کشورهای این حوزه تبدیل شود. در همین راستا دولت ژاپن که با شعار افزایش قدرت دفاعی ژاپن و رونق اقتصادی در تلاش برای گسترش روابط اقتصادی و بهره گیری از فرصتهاست. در این بین تولید ناخالص ملی ژاپن نزدیک به 6 تریلیون دلار و جمعیت این کشور نیز حدود 128 میلیون نفر است.

در واقع بخش مهمی از نگاه ژاپن به منطقه کمک های مالی است. چنانچه با کمک مالی دولت ژاپن در تاجیکستان ۳۴۰ طرح اجتماعی اجرا شده است و ژاپن تاکنون به ازبکستان بیش از 3 میلیارد و 400 میلیون دلار کمک مالی و فنی کرده است. گذشته از این نفوذ در بازار منطقه و رقابت با بازیگران عمده اقتصادی مد نظر است. چنانچه در سالهای گذشته چین با اقدام های گوناگون مانند سرمایه گذاری و ایجاد بانک توسعه زیرساختی سرمایه گذاری درصدد نفوذ بیشتر در کشورهای آسیای مرکزی است. در این میان از یک سو نخست وزیر ژاپن به منظور توسعه همکاری با منطقه یک نهاد مخصوص («آسیای مرکزی+ ژاپن») را ایجاد کرده است که فعالیت این ارگان نقش مهمی را در گسترش همکاری های اقتصادی و تجاری و غیر با کشورهای آسیای مرکزی به خصوص کشور ترکمنستان ایفا خواهد کرد.

از سوی دیگر توکیو قصد دارد با سرمایه گذاری ۱۸ میلیارد دلاری در اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی وارد رقابت با چین شود. در واقع بازارهای رو به رشد منطقه بویژه قزاقستان و ازبکستان و ترکمنستان محل مناسبی برای ارائه سرمایه گذاری و صادرات شرکت های ژاپن است. چنانچه امضای هشت سند همکاری در بخشهای مختلف صنعتی، کشاورزی، اقتصادی و امنیتی با تاجیکستان، آمادگی توکیو برای کمک به توسعه زیرساخت ها و صنعت کشاورزی این کشور آسیای مرکزی، بسته کمک مالی به ارزش هفت میلیون و چهارصد هزار دلار را به دولت دوشنبه، حضور روبه افزایش شرکت های ژاپنی در طرح های بزرگ ترکمنستان نظیر احداث پالایشگاه برای فراوری گاز طبیعی، ثبت دهها شرکت با مشارکت سرمایه گذاران ژاپنی در ترکمنستان، امضای قراردادهای مهم ژاپن با ترکمنستان به ارزش 18 میلیارد دلار، توافق بین عشق آباد و توکیو در خصوص استخراج میدان گازی «گالکینیش» ترکمنستان، توافق ازبکستان و ژاپن در خصوص اجرای طرح های سرمایه گذاری مشترک به ارزش بیش از 8 میلیارد و 500 میلیون دلار و.. در همین راستا است. در همین بین نخست وزیر ژاپن در سفر خود به پنج کشور آسیای مرکزی را آغاز کرده و با دیدار از کشورهای مختلف در منطقه آسیای مرکزی تصمیم خود را برای ورود به معادلات اقتصادی آسیای مرکزی

آشکار تر کرد . این رویکرد ژاپن در حالی است که از یک سو کشورهای نظیر تاجیکستان و قرقیزستان برای احیای اقتصاد خود و نیز تقویت زیرساختهای اقتصادی کشور، سخت نیازمند سرمایه گذاری خارجی هستند. چنانچه رئیس جمهور تاجیکستان ابراز امیدواری کرد: ژاپن همکاریهای خود با این کشور را از سطح کمکهای فنی و بشردوستانه به سطح سرمایه‌گذاری مستقیم و اعتبارات دارای تسهیلات ارتقاء دهد. از این دیدگاه ژاپن میتواند در پروژه‌های زیربنایی منطقه‌ای نظیر خط انتقال برق «کاسا 1000» و ساخت راه‌آهن و جاده از طریق قلمرو افغانستان دارای نقش مهمی باشد. از سوی دیگر نیز کشورهای دارای منابع انرژی منطقه چون ترکمنستان نیز از تعدد شرکای هیدرو کربین خود استقبال میکنند . در واقع از این منظر ورود ژاپن به بازار انرژی جمهوری های منطقه، قدرت چانه زنی این کشورها با متقاضیان سنتی انرژی این کشورها چون ایران، چین و روسیه افزایش خواهد یافت. علاوه براین ظرفیتهای اقتصادی و انرژی کشورهای دارای منابع نفت و گاز آسیای مرکزی پوشش لازم را برای حضور اقتصادی و سیاسی توکیو در این منطقه فراهم کرده است. در این میان باید دانست که با توجه به اینکه در حال حاضر حجم زیادی از واردات انرژی ژاپن از خاورمیانه است و از آنجا که بیشتر کشورهای این منطقه دارای منابع نفتی و گازی هستند و بخش انرژی خود را بر روی شرکت های ژاپن باز کرده اند توکیو می کوشد تا با سرمایه گذاری در بخش انرژی این کشورها از آن به عنوان جایگزین مناسبی برای انرژی خاورمیانه استفاده کند.